

نگاهی نو به تجربه دیدار از موزه

جان اچ. فارک و لین دی. دیرکینگ

ترجمه مهدی انشاهی

Falk, John H. (John Howard)

فالك، جان هوارد، ۱۹۴۸-م
نگاهی نو به تجربه دیدار از موزه / جان اچ. فالك و لین دی. دیرکینگ؛ ترجمه مهدی افشار...
تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۶.
۴۲۴ ص... (فرهنگ و مدیریت؛ ۱۱۴).

ISBN: 978-964-379-400-2

The Museum Experience Revisited

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا
عنوان اصلی:
۱. موزه ها - جنبه های آموزشی. الف. دیرکینگ، لین دی.، ۱۹۵۶- م. ب. افشار، مهدی، ۱۳۲۶-
، مترجم. ج. دفتر پژوهشهای فرهنگی. د. عنوان.
۱۳۹۶ ن ۸ / ۲ ف / AM ۷
کتابشناسی ملی ایران
۴۴۸۷۲۷۵

ISBN:978-964-379-400-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۰۰۰-۲

• نگاهی نو به تجربه دیدار از موزه

• جان اچ. فالك و لین دی. دیرکینگ

• ترجمه مهدی افشار

• The Museum Experience Revisited

• John H. Falk and Lynn D. Dierking

• Translated by Mahdi Afshar

• ویراستار: بروین حیدری

• طراح جلد و صفحه آوری: داورزنی

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه * چاپ اول، ۱۳۹۶

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است



دفتر پژوهشهای فرهنگی

مراکز اصلی پخش و فروش:

• دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، کوچه باقری قصرالدشتی،

شماره ۵. کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳

تلفن: ۸۸۳۱۵۳۳۷، ۸۸۳۱۵۳۳۷

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن های فروش: ۸۸۴۹۴۶۱، ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷

فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵.

دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

تلفن: ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷، ۶۶۴۱۷۵۳۳

یادداشت

سازمان‌ها در معنای وسیع کلمه از شالوده‌های اصلی اجتماع کنونی‌اند و مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ سازمان‌هاست. مدیریت حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب را هدایت می‌کند. در هر حال، برای ایجاد آینده‌ای بهتر در تکیا پوست گذشته با تمام اهمیت و استختنی‌هایش و با تمام تأثیری که می‌تواند بر آینده داشته باشد، اتفاق افتاده است و هیچ نیروی بشری نمی‌تواند آن را دیگر بار و به گونه‌ای متفاوت فرزند؛ ولی آینده در راه است و قسمت مهمی از آن به آنچه امروز می‌گذرد مربوط است. ما باید سهم فرزندان این سرزمین را از آینده جهان علم کنیم و برای این منظور، به عزمی ملی نیاز داریم. عزم جامعه را مجموعه مدیریت کشور هدایت می‌کند، لذا امر مدیریت مهم‌ترین مقوله‌ای است که باید برای رشد و تعالی فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و سیاسی جامعه مورد توجه قرار گیرد.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی به لحاظ اهمیت و وسوع مدیریت در عرصه‌های مختلف، به این مقوله مهم پرداخته و دیرینه است که شش‌خانه دیگری از پژوهش‌ها و انتشارات خود را با عنوان فرهنگ و مدیریت به جویندگان علم، کارآفرینان و سایر علاقه‌مندان تقدیم کرده است. امید است تلاشگران عرصه علم و فرهنگ و صاحبان اندیشه در حوزه مدیریت، در یک همگامی و هماهنگی حیاتی، برای توفیق در ارائه بهترین و ضروری‌ترین آثار در این میدان، یاورمان باشند.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی

[فهرست مطالب]

۱۱	پیشگفتار
۱۷	دیباچه
۲۵	فصل ۱. مقدمه؛ موزه‌ها، مدل تجربی یادگیری
۲۸	مدل تجربی دیگر
۳۵	خلاصه نکات
۳۶	پیشنادهایی برای دست‌اندرکاران
۳۹	بخش اول. قبل از دیدار
۴۱	فصل ۲. ساختار شخصی؛ محرک‌های مرتبط با هویت
۴۳	رفتن به موزه و اوقات فراغت
۴۶	چرا دیدار از موزه؟
۵۱	بهره‌گیری از ذره‌بین هویت برای توصیف دیدارکنندگان
۵۷	چرا مردم از موزه‌ها دیدن نمی‌کنند؟
۶۶	خلاصه نکات
۶۷	پیشنادهایی برای دست‌اندرکاران
۶۹	فصل ۳. بافت اجتماعی - فرهنگی؛ موزه در جامعه
۷۱	موزه به مثابه یک نهاد
۷۴	یک تجربه متضاد
۷۷	بوم‌شناسی اجتماعی - فرهنگی
۸۵	خلاصه نکات
۸۶	پیشنادهایی برای دست‌اندرکاران

فصل ۴. ساخت و بافت شخصی؛ تجربه پیشین، علائق و دانش

- ۸۹ تجربه پیشین
 ۹۱ منابع اطلاعات
 ۹۳ علائق
 ۹۹ پیش‌آگاهی یا دانش پیشین
 ۱۰۱ دستورالعمل دیدار از موزه
 ۱۰۴ خلاصه نکات
 ۱۰۵ پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران
 ۱۰۶

بخش دوم. هنگام دیدار

- ۱۰۹ فصل ۵. محتوای فیزیکی نمایشگاه‌ها
 ۱۱۵ ارتباط با پیام موزه
 ۱۳۰ چارچوب مرجع دیدارکنندگان
 ۱۳۴ خلاصه نکات
 ۱۳۵ پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران

- ۱۳۷ فصل ۶. محتوای فیزیکی؛ بیش از نمایشگاه‌ها
 ۱۳۹ دیدارکنندگان و محیط موزه
 ۱۴۸ همسویی زمینه‌ها
 ۱۵۱ خلاصه نکات
 ۱۵۲ پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران

فصل ۷. زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی؛ در موزه

- ۱۵۵ خانواده دیدارکنندگان
 ۱۵۸ دیدارکنندگان بزرگسال
 ۱۶۴ دیدارکنندگان سفرهای میدانی مدارس
 ۱۶۷ توجه به دیگر دیدارکنندگان
 ۱۷۰ دیدارکننده تنها
 ۱۷۲ تعامل با کارکنان موزه
 ۱۷۲

۱۷۶	برنامه‌ها
۱۸۱	خلاصه نکات
۱۸۲	پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران
۱۸۳	فصل ۸. مضامین درهم آمیخته: موزه به مثابه گشتالت
۱۸۴	موزه به مثابه تجربه
۱۸۵	برنامه‌ریزی برای دیدار از موزه
۱۸۸	رسیدن به موزه
۱۹۰	نخستین تأثیر
۲۰۱	دیدگاه و احساسات دیدارکننده
۲۰۴	خلاصه نکات
۲۰۴	پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران
۲۰۷	بخش سوم. بعد از دیدار
۲۰۹	فصل ۹. ماندگاری تجربه موزه‌ای
۲۱۱	خاطرات موزه
۲۱۷	بلوک‌های بنای خاطرات موزه
۲۱۸	بافت شخصی
۲۱۹	بافت اجتماعی - فرهنگی
۲۲۰	محتوای فیزیکی
۲۲۴	طرح خاطرات موزه
۲۲۶	خاطرات موزه به مثابه یادگیری
۲۲۸	خلاصه نکات
۲۲۹	پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران
۲۳۱	فصل ۱۰. ارزیابی تأثیر یادگیری از موزه‌ها
۲۳۵	پروژه لیزر مرکز علمی کالیفرنیا
۲۵۰	مطالعه بازاندیشی تأثیر درازمدت برنامه‌های اختیاری علمی برای دختران
۲۵۵	یک دست کردن

۲۵۷	خلاصه نکات
۲۵۷	پیشنادهایی برای دست‌اندرکاران

۲۵۹ بخش چهارم. راهنمای حرفه‌ای در تجربه موزه‌ای

۲۶۱	فصل ۱۱. حمایت از تجربه موزه‌ای؛ قبل، هنگام و بعد از دیدار
۲۶۱	مقدمه
۲۶۳	هدف‌های سازمانی برای بهبود و افزایش تجربه دیدارکننده
۲۶۹	قبل از دیدار
۲۷۶	هنگام دیدار
۲۹۹	بعد از دیدار

۳۰۹ بخش پنجم. فراتر از دیدار

۳۱۱	فصل ۱۲. موزه قرن بیست و یکم
۳۱۴	رهنمودهایی به سوی موفقیت
۳۱۶	موزه‌ها در مقام نهادهای آموزشی
۳۲۳	خلق مشترک تجربیات موزه‌ای
۳۲۵	آفرینش ارزش در فراسوی آموزش
۳۲۶	بخشی از چیزی بزرگ‌تر بودن
۳۳۰	معرفی و مستندسازی ارزش
۳۳۲	خلاصه نکات
۳۳۲	پیشنادهایی برای دست‌اندرکاران

۳۳۵	پیوست‌ها
۳۴۳	یادداشت‌ها

پیشگفتار

«تجربه موزه‌ای» به تجربه دیدار از موزه در همه ابعاد آن، پیش و پس از دیدار از موزه، اطلاق می‌شود.

دیدارکننده از موزه یک ظرف خالی نیست که منتظر بماند تا با خرد ما آکنده و پر شود. به نظر می‌رسد، به خصوص اکنون که این مطلب را می‌نویسم، در مقایسه با چاپ نخست تجربه موزه‌ای، به این نتیجه رسیده‌ام که واقع برای فهم افق نگاه دیدارکنندگان در بسیاری از برنامه‌های موزه‌ای که در سال‌های پیش بدین کرده‌ام؛ آن‌گونه که باید کوشش لازم را به عمل نیاورده‌ام. قبل از سال ۱۹۹۹ در دو دوره مائوت کار می‌کردم (یکی موزه هنر و دیگری موزه قوم‌شناسی) که در آن‌جا نمایشگاه‌ها، برگزاری و برای مخاطبان مختلف، از جمله عموم مردم، معلمان و دانش‌آموزان برنامه‌هایی تنظیم می‌کردم. در کنارم طراحان با استعداد، محققان و پژوهشگران و موزه‌داران مختلفی حضور داشتند که حضور کارسازشان از من یک موزه‌دار ساخت. همین تجربیات زمینه‌ساز شد تا در این محراب و کیفیت تجربیات موزه‌ای اندوخته‌هایی داشته باشم و چیزهایی بیاموزم.

اما آیا آن‌گونه که باید، به‌دقت اندیشیده بودم؟ چه رسد به این که دست به تحقیق بزنم تا دیدارکننده و افق دید او را بازشناسم و آن‌گونه که باید دریابم؟ آیا از مهارت‌های مضمین مختلف شخصی، اجتماعی و فرهنگی که به دیدارکنندگان در مواجهه با موزه جهت می‌دهد، از جمله تجربیات و علایق دیدارکنندگان چه قبل و چه بعد از دیدار را ارزیابی کرده بودم؟ به این نتیجه رسیدم شور و اشتیاق و هدفمندی و داشتن پروژه‌های تحقیقی و دانش محتوایی، کلید اصلی این شناخت است که موجب موفقیت می‌شود. بدین ترتیب تجربه موزه‌ای، تأثیری عظیم بر من نهاد و در سال ۱۹۹۲، در جایگاه یک موزه‌دار رهنمودهای ارزنده‌ای کسب کردم. می‌پندارم در این تلاش تنها نبودم.

بیست سال بعد از انتشار چاپ نخست این اثر، در ویرایش جدید تجربه موزه‌ای نویسندگان

جان فالک^۱ و لین دیرکینگ^۲ بر اساس نگرش چاپ نخست کتاب حاضر و بر مبنای یافته‌های امروزی خود و دیگران و مطالعات و رهاوردهای پژوهشی، این اثر را غنا بخشیدند. در دو دهه گذشته، موزه‌ها توجه خاصی را به ماهیت، کیفیت و تأثیر تجربه موزه‌ای نشان داده‌اند. با تکیه بر کتاب تجربه موزه‌ای برخی گزارش‌ها همانند شکوه و برابری که انجمن آمریکایی موزه‌ها (۱۹۹۲) منتشر کرد و پژوهش‌های چندبعدی‌ای در باب ماهیت یادگیری، از جمله یادگیری در سراسر طول زندگی و قدرت یادگیری در موقعیت‌های خارج از مدرسه و نیز ده‌ها و صدها ارزیابی برنامه‌های فردی، به عمل آمد که زمینه‌ساز بازاندیشی و بازنگری در برنامه‌ها، فرایندها شد. البته درون مؤسسات، تحولات چندی به وقوع پیوست که این تحولات ناشی از عملکرد در قبال تنگناهای محیطی و تغییرات در برنامه‌ها و مأموریت‌های موزه و نیز هزینه‌هایی بود که ضرورت برقراری تعادل بین برنامه و هزینه را الزامی می‌کرد. آگاهی از پژوهش‌های مربوطه و وقوف بیش‌تر در باب جوامع و مخاطبان بالقوه و اطمینان قطعی‌تر در باب این که کدام اقدام می‌تواند در اجرای مأموریتی که موزه برعهده دارد مؤثرتر و کارآمدتری عمل کند، می‌تواند کار را هموارتر کرد. در قراسوی موزه‌ها، سهامداران خارج از موزه از جمله سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی تقاضاها و درخواست‌های فزاینده‌ای دارند که قبل از هرگونه حمایتی از موزه‌ها، مدل‌های منطقی ارزیابی و اندازه‌گیری‌ای هستند که مخاطب می‌پذیرد، داشته باشند. ارزیابی پروژه امری متداول و رایج شده است. ما اکنون درباره دیدارکنندگانمان (و آنانی که به دیدار موزه‌ها می‌روند) بسیار بیش‌تر می‌دانیم و هنوز هم کیلومترها راه در پیش است که باید درنور تابش فصول ۱۲ گانه این کتاب، فالک و دیرکینگ به شیوه‌ای استاندارد بر مبنای مدل بافتاری و مضمونی اصلی‌شان در باب یادگیری و با تکیه بر مطالعات بسیاری که در دو دهه گذشته داشته‌اند، اثرهای ارزشمند را عرضه کردند که اهمیت درک دیدارکنندگان در نزد کارگزاران موزه در این سال‌ها جایگاه کاستی نگرفته است. درواقع می‌خواهم به جرئت بگویم این مهم قوت نیز گرفته است، چرا که دیدار بسیاری از موزه‌ها هستند که هنوز جذب این جریان فکری نشده‌اند، چه رسد به این که این چارچوب بافتاری وسیع‌تر را بپذیرا شوند.

یکی از مفاهیم و مضامین یعنی مضامین شخصی، فرهنگی اجتماعی و فیزیکی در چارچوب این بازاندیشی و پژوهش‌های جدید غنی‌تر شده است، مثلاً مضمون شخصی که فالک در باب انگیزش‌های مرتبط با هویت فرد، کار کرده، بسیار استاندارد صورت گرفته. فالک ذره‌بین‌های هویتی مختلفی که انگیزه‌های شخصی رفتن به موزه را نشان می‌دهد، بررسی کرده و آنها را به روشنی توصیف می‌کند و توجه دارد که این ذره‌بین‌ها سیال و پویا هستند؛ بدین

معنا که افراد می‌توانند بر مبنای شرایط و انگیزه‌های ویژه به شیوه تغییرپذیری از این ذره‌بین‌ها بهره‌گیرند. از آن‌جا که دیدارکنندگان از موزه ممکن است خود را پژوهشگر، تسهیل‌کننده، حرفه‌ای، تفریح‌جو، تجربه‌آموز، بازآموز و دیدارکننده صرف و یا وابستگی‌جو بدانند، این هویت‌های مختلف به تجربه موزه‌ای آنان رنگ و هویت می‌بخشد.

بحث مضمون و بافت اجتماعی - فرهنگی با شناخت گسترده‌تر از یادگیری زیست‌بوم که در همه جوامع نفوذ کرده، به صورت نیاز موزه برای درک و اجرای این نقش در این سیستم‌ها، غنی‌تر شده است. نیازهای یادگیری جامعه کدام‌اند و این که موزه‌ها چگونه می‌توانند به شیوه مؤثر و منحصر به فردی این نیاز را پاسخ گویند؟ چگونه موزه می‌تواند مجموعه‌ای از «اشیای واقعی» را گردآوری کند و مکانی مطمئن و کارشناسانه شود که تفاوت بین اقلام واقعی و جعلی را تعین کند؟ در این بخش به همت و کوشش گسترده دیرکینگ، جوانان و خانواده‌ها خطاب قرار گرفته‌اند. فکر دیرکینگ بر اهمیت کندوکاو و کاوش موزه‌ای تأکید دارند و بر این نکته پای می‌رسانند که موزه‌ها باید اقلام واقعی و ارزش‌های عمومی را که یک موضوع درست و لازم است، معرفی کنند.

رویکرد نویسنده از سمت و بافت فیزیکی دربرگیرنده نمایشگاه‌ها، گالری‌ها و ساختمان‌های موزه است (شامل محراب، اتومبیل‌ها و دیگر خدمات و امکاناتی که غالباً بخش مهمی از تجربه دیدارکننده را تشکیل می‌دهند) و نیز لحاظ کردن نیازهایی که پیرامون هر نمایشگاه، مانند برنامه‌ها و اهمیت فزاینده مکانات مجازی، پدید می‌آید. فصول پایانی به ساختار فیزیکی (گشتالت) پرداخته که بازتابه هم‌سای این مضامین و پژوهش‌های تازه درباره یادمان‌ها و خاطره دیدار از موزه و یادگیری است. در دو نویسنده تأمل و تعمقی در ارزیابی مطالعات موردی داشته‌اند. کار گسترده فالک در موزه علمی کالیفرنیا صورت گرفته و مطالعات گسترده و طولانی دیرکینگ و مک‌کریدی^۱ در باب مطالعات نمایش برنامه‌های خارج از مدرسه برای دختران را شامل می‌شود. این مجلد با نمونه‌های زندگی واقعی از موزه قرن بیست و یکم خاتمه می‌یابد. در پایان هر بخش (به شیوه‌ای مختصر و مفید) نکات مهم خلاصه و پیشنهادهایی برای دست‌اندرکاران ارائه شده است.

از نگاه من این مجلد متضمن و بیانگر یافته‌ها و مشاهدات ارزشمندی است که در سطحی بسیار گسترده‌تر و گفت‌وگوهایی پویاتر درباره آنچه شورای پژوهش ملی با عنوان یادگیری علوم در محیط‌های غیررسمی: مردم، مکان‌ها و پیگردها (۲۰۰۹) در طلب آن بوده و هم‌چنین یادگیری در همه عمر در ابعاد طول، عرض و عمق صورت گرفته است. من نیز شبیه همین مطالعه و پژوهش را با عنوان نگاهی نو به تجربه دیدار از موزه در چارچوب

یادگیری گسترده‌تر بوم‌شناسی یا زیرساخت‌ها، دنبال کردم. در پژوهشی که به عمل آورده‌ام، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و بسیاری از عرصه‌های یادگیری رسمی و غیررسمی لحاظ شده است و در این پژوهش آواهایی به مراتب بیش‌تر از همیشه به گوش می‌رسد، آواهایی که قدرتمندتر بوده و با یادگیری و اهمیت درگیر شدن، علائق و کنجکاوی‌ها مرتبط است و نیز نقش فراینده فناوری‌ها در شکستن و کنار گذاردن تنگنایهای محیطی گذشته و ورود به عرصه‌های گسترده‌تر در آن مطرح شده است؛ مفاهیمی چون «عامل یادگیری آزاد»، «یادگیری پروژه‌ای» و «محیط‌های یادگیری شخصی‌شده» اعم از یادگیری‌های رسمی تا یادگیری‌های غیررسمی. هم‌چنین نقش فالتک و دیرکینگ در باب قدرت تعاملات اجتماعی که در قلمرو فضای موزن اتفاق می‌افتد و نقش برجسته آنان در یادگیری به شیوه مؤثر و هم‌چنین به‌طور ضمنی در باب یادگیری که موزه‌ها به بهترین وجهی انجام می‌دهند (به مردم چیزهایی بیاموزند که از قبل درباره آنان اندکی می‌دانسته‌اند یا نسبت به آن کنجکاو بوده‌اند)، بسیار مهم به‌شمار می‌رود. علاوه بر مسیر گذشت زمان مباحثات مداوم و کارساز و ثمربخشی درباره شیوه‌های اندازه‌گیری و ارزیابی تأثیر یادگیری در موقعیت‌های خارج از مدرسه به عمل آمده و نمونه‌های مباحثات فالتک دیرکینگ برای آسیای پویای ذهن، به‌خصوص برای مردم عادی و عوام بسیار کارساز می‌نمایند. نویسندگان چالش‌های (مبتنی بر انتخاب آزاد و کاربرد غیرمتعارف) اندازه‌گیری تأثیر یادگیری موزه‌ای را دریافته‌اند. در حال آنان نمونه‌های سودمندی، از جمله اطلاعات جدیدی را آورده‌اند که رویکردهای روش‌شناسی جدید عرضه می‌دارد و به درک بهتر یادگیری‌ای کمک می‌کند که در موزه اتفاق می‌افتد. در این مسیر آنان از حامیان و سرمایه‌گذاران دانشگاهی و علائق آکادمیک بهره گرفته‌اند. دیگر پژوهشگران و کارگزاران موزه‌ای نتایج پژوهش‌های نظام‌مندی را (شامل مطالعات طولی) توزیع و انتشار داده‌اند و از همکاری‌های جدید (مانند بنیاد ملی علوم و مرکز پیشرفت آموزش غیررسمی علوم) بهره گرفته‌اند و در کل گام‌های بلندی در گردآوری اطلاعات در این حوزه فراهم ساخته، واژگان و ابزارهای جدیدی را به‌وجود آورده و برخی از معیارهای مشترک این تأثیر را تعریف کرده‌اند.

سرانجام این نکته قابل توجه است که هر بحثی در باب تأثیر آموزش در بافت گسترده‌تر مردمی، دارای ارزش است. اگر موزه‌ها به‌واقع نهادها و مؤسسات مهمی هستند که لنگر اجتماع به‌شمار می‌آیند، آن‌گاه این پرسش مطرح است که آنها چگونه این چالش عظیم را در جامعه قرن بیست و یکمی مدیریت می‌کنند؟ این چالش‌ها بحران‌های نظام‌های آموزشی اولیه را شامل می‌شود، جایی که درصد عظیمی از کودکان ما آمادگی رفتن به مدرسه را ندارند، احتمال دارد دوره دبیرستان را به پایان برند یا نبرند و فاقد یک بنیان

استوار هستند و به نظر نمی‌رسد مهارت‌هایی را کسب کنند که نیاز دارند در نظام آموزشی یا در مسیر زندگی به دست آورند. موزه‌ها هم‌چنین در قرن بیست و یکم عناوین و مباحث جدیدی چون مسائل محیطی و مالی، بهداشت و سلامتی و اطلاعاتی، سوادآموزی، مسائل جهانی و تفاهم متقابل فرهنگی و اشتغالات مدنی و اهمیت مباحثات مدنی را پیش روی دارند. ضرورت و اضطرار این مسایل و نبود پیشرفت کارآمد و مؤثر در پرداختن به این امور سبب ساز همکاری‌ها، مدل‌های سازمانی و تعاریفی از نقش جدید موزه‌ها شده و در نتیجه بنیادهای، سازمان‌ها، سیاست‌گذاران، دولت‌ها و مؤسسات انفرادی نیروهای‌شان را تجمیع کرده‌اند تا کوششی مشترک به عمل آورند، چنان‌که گراد نیشن^۱ و «مجاهدت برای مطالعه در سطوح مختلف»^۲ چنین تجمیعی را به عمل آورده‌اند. هم‌چنین مشخص شده تأثیرات فردی که ما برای برنامه‌های خاص و سازمان‌های انفرادی شناسایی کرده‌ایم، چندان کارآمد نیست. تا به اندازه رافع مشکلات اجتماعی امروز ما باشند. سازمان‌هایی مانند «بزرگ‌سازندگان آموزش» و «بزرگ‌سازندگان سازمان‌های کارآمد» در کار ایجاد شبکه‌ای با اندیشه انسان‌دوستانه هستند که تأکید آنها بر ایجاد معیارهای سازمانی متقابل متأثر از اثرات جمعی و مدل‌های همکاری جدید، سرمایه‌گذاری و رهبری و هدایت است. اگر موزه‌ها همچنان می‌کوشند تا لنگر جامه را حفظ کنند، لازم است ائتلاف‌های جدیدی ایجاد کرده و منابع جدیدی به دست آورند تا به هدف‌های خیرخواهانه مردمی دسترسی یابند. به علاوه این مدل‌ها — و تعریف اصلی و گوهری که از موزه داریم — این ضرورت را پیش می‌آورد تا تغییراتی در رفتارها به عمل آوریم. برای این منظور به آموزش‌های جدیدی در باب فناوری‌های امروزی، به منظور جذب مردم، بیش‌تر مردم و شناسخت انتظاراتشان و ایجاد مجموعه‌ای متجانس و هماهنگ با دستورالعمل‌های موزه‌ای و مردمی، نیاز داریم.

هریک از این عناوین در کتاب نگاهی نو به تجربه دیدار از موزه به تفصیل بیان شده و مورد بررسی و کندوکاو قرار گرفته است. این مجلد متضمن اطلاعات ارزشمند و مهمی برای حرفه‌ای‌ها، داوطلبان همکار در موزه، کارکنان موزه، هیئت مدیره و سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران موزه‌ای است. ویرایش جدید ما را با گرایش‌های گسترده‌ای آشنا می‌سازد که لازم است موزه‌ها به آن توجه نشان دهند و این گرایش‌ها نه تنها برخاسته از دیدگاه‌های نویسندگان بلکه همچنین برخاسته از تجربیات عمیقی است که موزه‌داران انواع موزه‌ها در سراسر جهان کسب کرده‌اند. این کتاب به یادمان می‌آورد خرد دیرپای و نگرش رهبران

موزه‌داری مانند هارولد ک.^۱، اسکرامستاد پسر^۲، استفان ای.^۳ و ویل^۴ را که درباره اهمیت موزه‌ها نوشته‌اند: «مردم و توده‌ها مهم‌تر از خود ما هستند». کتاب نگاهی نوبه تجربه دیدار از موزه به ما می‌گوید دانش و انگیزه‌های دیدارکنندگانمان را محترم بداریم و از همه امکانات و منابع خود (مانند مجموعه‌ها، کارکنان و مکان‌ها) بهره گیریم تا زندگی افراد و نیز کیفیت حیات جوامع خود را تغییر دهیم.

مارشا ال. زیمل^۵

www.ketab.ir